

بررسی عوامل موثر بر طراحی مسکن عشایری و روستایی ایل قشقایی

حسنا ورمقانی^۱

دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۴

چکیده

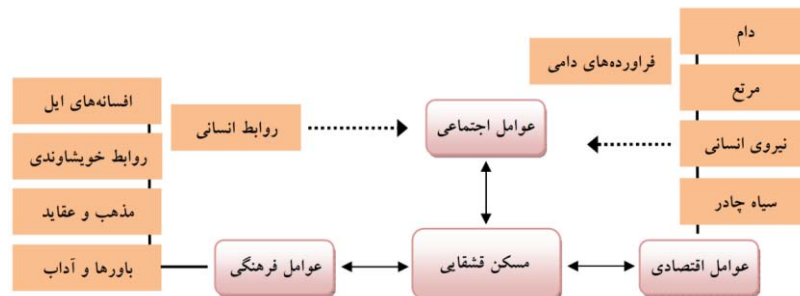
مردم ایل قشقایی که از نظر سوابق تاریخی و تولیدات دامی نقش مهمی را در سیاست و اقتصاد ایران ایفا کرده‌اند، به وسیله مهاجرت اسکان یافته و شیوه معیشت آن‌ها دگرگون شده است. در این مطالعه، سعی بر آن است که ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کوچ نشینان و اسکان یافته‌های قشقایی معرفی شده و ارتباط این عوامل با الگوهای سکونت در مسکن روستایی و سیاه چادر آن‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. فرضیه عمومی تحقیق آن است که میان مسکن روستایی و سیاه چادرهای قشقایی به لحاظ عوامل انسانی (فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی) قابلیت تطبیق وجود دارد. روش تحقیق این مقاله از نوع توصیفی- تحلیلی است که به منظور پیشبرد آن از دو روش اسنادی و پیمایشی بهره گرفته شده است. هدف کاربردی مقاله، ارائه الگوهای طراحی پلان مسکونی در روستاهای قشقایی نشین است به گونه‌ای که با ساختارهای انسانی متناسب باشد. نظام شکل‌گیری و جانمایی الگوهای مسکونی و شیوه ساخت آن- که متأثر از شیوه زندگی و فرهنگ بومی این ایل می‌باشد- موضوع تحقیق است که با بررسی نمونه‌های موردی از مسکن روستاهای قشقایی نشین و ساختار سیاه چادرها با عنایت به وجود ارزش‌های کالبدی و فضایی مورد تحلیل قرار گرفته است. به کمک تحلیل تطبیقی مشخص گردید عواملی که بر طراحی مسکن (کوچ نشینی و یکجانشینی) قشقایی تاثیر می‌گذارد شامل نحوه معیشت، روابط خویشاوندی، عقاید فرهنگی و برخی آداب و رسوم، وجود روحیه تعاون و همکاری، توجه به ضرورت نوع زندگی و انطباق ساختار هم‌نشینی سیاه چادرها و خانه‌ها بر اساس نظام اجتماعی قبیله‌ای می‌باشد. دستاورد علمی و پژوهشی مقاله، تبیین چگونگی تبدیل مسکن کوچ‌نشینی عشایر قشقایی به مسکن یکجانشینی است که می‌تواند دستمایه‌ای نظری برای معماران علاقمند به فعالیت در این زمینه را نیز فراهم آورد.

واژگان کلیدی: قشقایی، مسکن، فرهنگ، سیاه چادر، کوچ نشینی.

۱- بیان مسئله

امروزه عشایر کوچنده با مشکلات بیشتری نسبت به گذشته روبرو هستند. از بین رفتن مراتع و ایل‌راه‌ها از یک سو و عدم دسترسی به علم و فناوری روز از سوی دیگر ادامه زندگی عشایری را با مخاطرات فراوانی روبرو ساخته است. نیاز به آموزش و بهداشت، وجود مشکلات اقتصادی، و ضرورت برقراری ارتباط پویا با جامعه، عشایر را ناگزیر از مهاجرت به شهرها و یک‌جانشینی کرده است. این مهاجرت نه تنها رافع مشکلات نبوده، بلکه مشکلات دیگری را چه برای عشایر و چه برای جامعه به همراه داشته است، که از آن جمله می‌توان به عاطل ماندن مراتع، کاهش تولیدات دامی و فشار مضاعف جمعیت بیکار غیرماهر در شهرها اشاره کرد (قرخلو، ۱۳۸۲: ۲۴-۱۵). بعلاوه خانه‌های شهری تطابقی با خصوصیات فرهنگی، آداب و رسوم و نحوه زندگی آنان نداشته و فرهنگ عشایر را که میراث معنوی و هویت نسل‌های گذشته است نادیده انگاشته و نهایتاً به فراموشی می‌انجامد. آنچه مسلم است ضرورت توجه و برخورد هوشمندانه با مسئله عشایر و ارائه راهکارهایی در جهت ارتقای فرهنگی، اقتصادی و رفاهی آنان می‌باشد. مقاله حاضر با هدف رسیدن به الگوی سکونتگاهی که پاسخگوی نیازهای اقوام قشقایی باشد به جستجو و تحلیل عوامل انسانی و رفتاری تأثیرگذار بر نحوه زندگی آنان می‌پردازد. بنابراین این مقاله در دسته تحقیقات کاربردی و اجرایی قرار می‌گیرد.

قشقایی‌ها اقوام کوچ‌نشین می‌باشند که با توجه به نوع معیشت یعنی زندگی دامداری همواره در حال حرکت بوده و از این رو ساماندهی فضای زندگی آن‌ها می‌بایست متناسب با این نوع شرایط زندگی سخت و دشوار محیطی و اقلیمی باشد. از سوی دیگر مردمان قشقایی، سخت پایبند به اعتقادات و باورهای خود می‌باشند. این باورها به وضوح در فضاها و عملکردی از سیاه چادر تا زیستگاه یک‌جانشینی، قابل مشاهده است. علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی، ساختار اجتماعی ایل قشقایی شامل سلسله مراتب نظام خویشاوندی، به طور مستقیم بر الگوی استقرار چادرها، میزان پراکندگی و تراکم و نیز چگونگی مکانیابی آن‌ها در کنار یکدیگر منطبق است؛ بطوری که می‌توان گفت الگوی سکونتگاه‌ها صورت کالبدی الگو و نظام اجتماعی قبیله است. عوامل موثر بر طراحی مسکن قشقایی در نمودار ۱ معرفی شده است.



تصویر ۱: ابعاد اصلی بوجودآورنده مسکن قشقایی

ترسیم: نگارنده، ۱۳۹۲

عوامل مذکور با یکدیگر در ارتباط بوده و بر هم تأثیرگذارند. به عنوان مثال، ساختار اقتصادی و اجتماعی در مواردی با یکدیگر درآمیخته‌اند و نیز باورها، آداب و رسوم، مذهب و عقاید خرافی همگی در ساختار فرهنگی دخالت دارند.

پژوهش حاضر سعی دارد تاثیر این عوامل را بر طرح ریزی مسکن این قوم سنجیده و به الگوهای اجرایی و کاربردی در راستای طراحی و برنامه ریزی مسکن روستایی، متناسب با فرهنگ، اقتصاد و جامعه قشقای دست یابد. با توجه به وجود تأثیرات متقابل بین عوامل انسانی مطرح شده و از آنجا که تفکیک مسائل مختلف و ارائه الگوهای موردی نمی تواند پاسخگوی نیاز عشایر باشد، لازم است که موضوعات در کنار هم تحلیل، و الگویی یکپارچه متشکل از تأثیر تمامی عوامل ارائه گردد.

در راستای دستیابی به هدف مقاله، لازم است مطالعات مذکور در دو حوزه یکجانشینی و کوچ نشینی قشقایها صورت گیرد. پس به طور مشخص، سوالات تحقیق عبارتند از:

۱. چه عواملی بر طراحی مسکن کوچ نشینی (سیاه چادرها) ایل قشقای تاثیر می گذارد؟

۲. چه عواملی بر طراحی مسکن روستایی (یکجانشینی) ایل قشقای تاثیر می گذارد؟

در راستای تحقق هدف اصلی، اهداف ذیل دنبال خواهد شد:

- بررسی تطبیقی میزان تاثیر عوامل اجتماعی در مسکن کوچ نشینی و یکجانشینی

- بررسی تطبیقی نحوه تاثیر باورها و عقاید در مسکن کوچ نشینی و یکجانشینی

- بررسی تطبیقی رابطه اقتصاد و معیشت در مسکن کوچ نشینی و یکجانشینی

فرضیات تحقیق عبارتند از:

- ساختار فرهنگی در ایل قشقای، تاثیر مستقیم بر طراحی فضای داخلی سیاه چادر و خانه های روستایی آنان داشته است.

- زندگی دامداری و نحوه معیشت قشقایها تأثیر مستقیم بر الگوی مسکن قبل و بعد از اسکان دارد.

- شیوه های طراحی مسکن عشایری و روستایی را به طور کامل می توان از الگوهای اجتماعی قبیله ای دریافت.

مطالعه و بررسی ویژگی های مسکن ایلات قشقای از دو جنبه دارای اهمیت می باشد: اول این که به شناخت عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی موثر به منظور چاره جویی و ارائه راهکارهای مناسب در زمینه طراحی مسکن منتهی می گردد؛ دوم با بررسی همه جانبه می توان زمینه روشنی را برای طرح هایی از این دست که در آینده از اهداف اجرایی مدیران و دست اندرکاران مربوطه می باشد، فراهم ساخت. لذا تحقیقاتی از این دست دارای اهمیتی کاربردی و ضرورتی آشکار می باشند.

۲- روش تحقیق

این مقاله با تمرکز بر جامعه عشایر قشقای به عنوان یکی از مهم ترین عشایر ایران و در استان فارس به دلیل دارا بودن بالاترین جمعیت عشایری انجام گرفته است. در اولین مرحله، تحقیقات پیشین در حوزه شناخت زندگی عشایری بررسی، و دیدگاه های محققان جمع آوری، دسته بندی، ترکیب و ساختاردهی شدند. دیدگاه های مطرح شده در سه دسته عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و عوامل فرهنگی قرار داده شدند. در مرحله دوم، به منظور مطابقت

مدل حاصله از ادبیات موضوع با شرایط کنونی زندگی عشایر، مشاهده نحوه زندگی و چگونگی سازماندهی فضایی سیاه چادرهای عشایر و مسکن روستایی آن‌ها، روش‌های مشاهده مستقیم و مصاحبه به کار گرفته شد. در جریان صحبت با عشایر، اطلاعاتی درباره باورها، اعتقادات و آداب و رسوم آن‌ها دریافت گردید و نحوه تأثیر این عوامل بر خصوصیات مسکن مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، جهت بررسی تطبیقی زندگی عشایری و روستایی، داده‌های حاصل از عوامل انسانی و سازماندهی فضایی سکونتگاه‌ها تحلیل گردیدند.

در فشرده‌ترین کلام، این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی است که به منظور پیشبرد آن از دو روش اسنادی و پیمایشی بهره گرفته شده است. در روش اسنادی به مطالعه و بررسی کتب، مجلات، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، نقشه‌ها و دیگر اسناد پرداخته شد و در روش پیمایشی از تکنیک‌های مشاهده مستقیم و مصاحبه استفاده شد. تجزیه و تحلیل و استنتاج نهایی داده‌های مورد نظر به کمک دیاگرام‌ها و بررسی تطبیقی حاصل شده است. این نتایج ما را به راهبردها و الگوهای برنامه‌ریزی و طراحی مسکن روستایی و نیز شهری در مناطق قشقایی‌نشین رهنمون می‌سازد. سوال مهم برای طراحان مسکن عشایر این است که فضای جانشین سیاه‌چادر چگونه فضایی است و قالب زندگی عشایر پس از یکجانشینی چیست؟ به عبارت دیگر، وضع موجودی از مسکن ثابت عشایر موردنظر در دست نیست که بتوان برپایه آن طراحی نمود. لذا برای رسیدن به دستمایه‌های طراحی لازم است روند شکل‌گیری و زندگی در سیاه‌چادر بررسی شود و هم‌چنین نگاهی به زندگی نزدیکترین روستاهای باسابقه منطقه داشته باشیم.

۳- پیشینه تحقیق

آنچه تاکنون درباره عشایر قشقایی و شیوه زندگی آنان مطرح شده است، مطالعات پراکنده‌ای است که هر یک برخی از ابعاد موضوع را پوشش داده‌اند. این تحقیقات اطلاعاتی درباره خصوصیات سیاه چادرها، ساختارهای اجتماعی و سیاسی ایل، ساختار اعتقادی و فرهنگی، باورها و اعتقادات و نیز شیوه‌های معیشت عشایر قشقایی ارائه می‌دهند. تمامی این تحقیقات به صورت موردی و مجزا بوده و هیچ یک از آن‌ها به تحلیل و ترکیب ساختارهای مذکور در ارتباط با مسکن نپرداخته‌اند. این مقاله ضمن ترکیب ساختارهای انسانی مذکور به تبیین جایگاه این عوامل در الگوی طراحی مسکن قشقایی می‌پردازد.

در میان تحقیقات و مطالعات صورت گرفته، برخی از آن‌ها به طور جامع و کامل ویژگی‌های سه ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قشقایی را معرفی می‌نمایند. کتاب "توصیف و تحلیلی از ساختمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی" نوشته حبیب‌الله پیمان و نیز "مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر" نوشته حشمت‌الله طیبی در این دسته قرار می‌گیرند. برخی دیگر از تحقیقات موجود، تنها به مطالعه یکی از ساختارهای مذکور می‌پردازد. دکتر منوچهر کیانی در مطالعات خود از جمله کتاب "سیه چادرها"، "افسانه‌ها و قصه‌های ایل قشقایی" و "کوچ با عشق شقایق" به ابعاد فرهنگی ایل قشقایی می‌پردازد. دکتر سیروس پیرام ابعاد ساختار اقتصادی و به ویژه صنایع دستی را در ایل قشقایی بررسی نموده که نتایج تحقیق در کتاب‌های "دستبافت‌های عشایری و روستایی فارس" و "شاهکارهای فرش‌بافی فارس" آمده است. همچنین برخی مطالعات کمی و آماری از نحوه

معیشت، میزان جمعیت و... در ایل قشقایی استان فارس توسط اداره کل امور عشایر استان فارس صورت گرفته که در تحقیق حاضر مورد استفاده قرار گرفت. جمع‌بندی تحقیقات پیشین در قالب ۳ دسته اصلی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: معرفی و دسته‌بندی پیشینه تحقیق

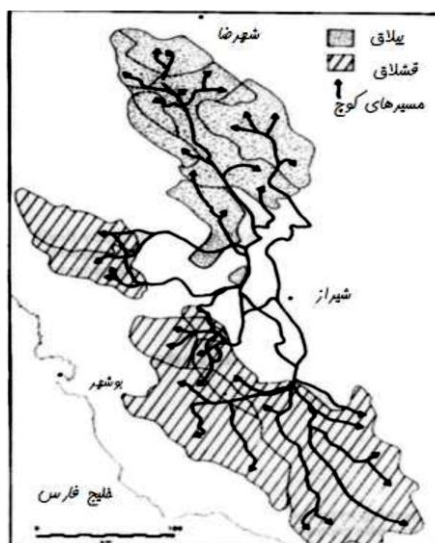
ردیف	ساختار مورد بررسی	زیرساختار مورد بررسی	سال	مطالعه	محقق
۱	ساختار اقتصادی	۱. دام و تولیدات دامی	۱۳۸۸	آشنایی با دانش بومی دامداران کوچ رو ایل کلهر	عبدالحمید پاپ‌زن
		۲. مرتع	۱۳۴۷	توصیف و تحلیلی از ساختمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی	حبیب‌الله پیمان
		۳. نیروی انسانی	۱۳۷۶	سبب چادرها	منوچهر کیانی
		۴. صنایع دستی	۱۳۷۰ ۱۳۷۵ ۱۳۸۳	دستبافت‌های عشایری و روستایی فارس شاهکارهای فرش‌بافی فارس زن عشایری و چپته	سیروس پرهام سیروس پرهام پرویز همایون‌پور
۲	ساختار اجتماعی	۱. سلسله مراتب اجتماعی	۱۳۸۵	تاریخ مبارزات مردم ایل قشقایی از صفویه تا پهلوی	منوچهر کیانی
		۲. نظام خویشاوندی	۱۳۸۰	مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر	حشمت‌الله طیبی
۳	ساختار فرهنگی	۱. باورها و آداب	۱۳۲۴	عرف و عادت در عشایر فارس	محمد بهمن‌بیگی
		۲. مذهب و اعتقادات	۱۳۸۶	نقش قشقایی‌ها در تاریخ و فرهنگ ایران	منصور نصیری
		۳. افسانه‌ها و داستان‌ها	۱۳۸۶	افسانه‌ها و قصه‌های ایل قشقایی	منوچهر کیانی

منبع: یافته‌های پژوهش

در این مقاله می‌کوشیم با در نظر گرفتن نتایج به دست آمده از مطالعات پیشین و تحلیل ارتباط آن‌ها با ویژگی‌های مسکن و بررسی میدانی شرایط کنونی زندگی عشایر، به الگوهایی جهت طراحی سکونتگاه در زمینه جغرافیایی و فرهنگی قوم قشقایی دست یابیم.

۴- معرفی محدوده مورد مطالعه

ایل قشقایی یکی از ایلات بزرگ ایران است که به همسایگی ایلات خمسه در نواحی جنوبی ایران و در استان‌های فارس، خوزستان، بوشهر و قسمتی از استان اصفهان سکونت داشته و بیلاق و قشلاق می‌کنند. محدوده بیلاق و قشلاق این ایل حاشیه‌ای به طول ۲۵۰ کیلومتر و عرض ۳۰ تا بیش از ۵۰ کیلومتر است. شهرستان فیروزآباد با ۳۴۴۵ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران و استان فارس، مرکز اصلی ایل قشقایی است (شکور، ۱۳۸۹: ۱۲۷).



تصویر ۲: موقعیت بیلاق و قشلاق و مسیرهای کوچ عشایر ایل قشقایی منبع: افشاری، ۱۳۹۰

منطقه قشلاقی و بیلاقی ایل قشقایی از کرانه‌های خلیج فارس تا جنوب استان اصفهان گسترده است. مناطق بیلاقی از شمال شیراز شروع می‌شود و تا محدوده شهرستان‌های شهرضا و بروجن ادامه می‌یابد. مناطق قشلاقی در محدوده وسیع‌تری قرار دارد؛ به طوری که از غرب به حوالی بهبهان و رامهرمز منتهی می‌شود. خط شمالی آن از حدود شمال غرب لار آغاز و پس از گذشتن از حوالی جهرم، فیروزآباد و شیراز به مرودشت ختم می‌شود. سرحد شرقی آن در اطراف شهرستان جهرم، داراب و لار واقع شده که هم مرز با طایفه‌های عرب و باصری ایل خمسه است و حد جنوبی این منطقه را نیز جلگه ساحلی خلیج فارس تشکیل می‌دهد (روحانی، ۱۳۷۳: ۱۸۹).

۵- یافته‌های توصیفی تحقیق

۱-۵- معرفی ساختارهای انسانی مورد مطالعه

۱-۱-۵- ساختار اقتصادی

اقتصاد کوچ نشینان رویهمرفته از چهار عامل تشکیل شده است که عبارتند از: ۱) سیاه چادر (۲ دام ۳ مرتع ۴) نیروی انسانی (صلواتی، ۱۳۸۸: ۹۱). اهمیت کارکردی این شیوه از زندگی در کشوری همچون ایران قابل توجه و تأمل بوده که در بیان وجهی از این اهمیت می‌توان به نقش اقتصاد عشایری (دامداری) در اقتصاد ملی اشاره داشت، چرا که آنان از مراتع پراکنده و دورافتاده و دور از دسترس روستائیان برای مصرف دام‌ها استفاده می‌نمایند که این خود سبب رونق دامداری، بهبود در دستیابی به مواد لبنی و گوشتی و در نهایت رشد اقتصاد ملی می‌گردد (شاطری، ۱۳۹۰: ۱۸).

عشایر ایران به لحاظ نوع زندگی و معیشت خود، یعنی دامپروری متحرک (کوچروی)، مسکن خود را به صورت قابل حمل، مقاوم، سبک و با قابلیت نصب و جمع سریع بنا می‌کنند. سیاه چادر با وجود تغییرات مختصری که به نسبت موقعیت خانواده دارد؛ هماهنگی خاصی را در بین اکثریت قریب به اتفاق افراد عشایر موجب می‌شود. دام‌ها به عنوان دومین عامل در اقتصاد کوچ نشینان، مهم‌ترین منبع غذایی، وسیله حمل و نقل، وسیله کمکی در امور کشاورزی و منبع تهیه وسایل و پوشاک هستند. همچنین دام‌ها مایه اعتبار و پشتوانه مهمی در فعالیت‌های اجتماعی به شمار می‌روند. مهم‌تر اینکه دام‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در اجتماع خانوارها دارند به طوری که هر چه تعداد دام بیشتر باشد خانوارهای کمتری در یک مکان تجمع می‌کنند. بنابراین رابطه‌ای بین تعداد دام و مرتع برقرار است؛ هر چه تعداد دام بیشتر باشد مرتع بیشتر مورد نیاز است و خانوارها مجبورند به فاصله معینی از هم مستقر شوند. تجمع بیش از حد باعث نابودی مرتع در زمان کوتاه‌تری می‌گردد (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۷: ۵۲). هر خانوار با توجه به تعداد دام‌هایی که در اختیار دارد باید نیروی انسانی لازم را نیز در اختیار داشته باشد تا بتواند به عنوان یک واحد تولید فعالیت کند. یک خانوار معمولی کوچ نشین که دارای ۱۰۰ تا ۲۰۰ رأس بز و میش است دست کم احتیاج به ۴ تا ۵ نفر دارد تا بدین‌وسیله بتواند به فعالیت خود ادامه دهد (همان، ۶۷). مشاغل متفرقه قشقای‌ها عبارتند از: باغداری، قالیبافی، جنگل‌کاری، تراکتور و وانت داری و مشاغل دولتی روستایی که جمعاً ۲۳ درصد اقتصاد ایل در شرایط فعلی را تشکیل می‌دهد. تولید صنایع دستی ابتدا برای رفع نیاز خانواده و سپس فروش در بازار به منظور کسب درآمد می‌باشد (شهبازی، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

جدول ۲: ساختار اقتصادی عشایر کوچرو و یکجانشین ایل قشقایی

فروش زنده دام	تولیدات دام	قالیبافی	صنایع دستی	باغداری	تراکتورداری	مشاغل دولتی	فروش محصولات در شهر
۶۱٪	۷٪	۵٪	۱۱٪	۳٪	۱٪	۳٪	۹٪
۴۳٪	۴٪	۹٪	۵٪	۱۳٪	۵٪	۶٪	۱۵٪

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۱-۲- ساختار فرهنگی

بنیادی‌ترین باور در نظام خویشاوندی ایل قشقایی باور به اجاق (به معنای محل فروختن و حفظ آتش) است و تعلق به اجاق واحد، نیرومندترین پیوند خویشاوندی را در نظام قبیله‌ای ایجاد می‌کند. این واژه از سویی دلالت بر نقش مهم آتش و حفظ و نگهداری آن در گذشته دور دارد و از سوی دیگر نوعی تقدس نیا است. اجاق به نوعی روح طایفه یا اولاد است که آن را از مصائب حفظ می‌کند و یا در موارد حساس به او یاری می‌رساند. اجاق، توتمی است سمبلیک که وحدت ایل را تحکیم می‌بخشد (بهرامیان، ۱۳۷۸: ۱۰۱). یکی دیگر از ابعاد ساختار فرهنگی، قصه‌ها و افسانه‌های ایل است که بازتاب آن‌ها در دستبافت‌های قشقایی از لحاظ تنوع بی‌مانند است. این تنوع، هم شامل انواع دستبافت و هم شامل تنوع نقش و رنگ می‌باشد (گوهری مطلق و همکار، ۱۳۸۹: ۹۱).

جدول ۳: عوامل تاثیرگذار در ساختار فرهنگی ایل قشقایی

عوامل فرهنگی	زیربخش‌ها	مصادیق	ویژگی‌ها	صورت‌های تبلور
عوامل فرهنگی - مذهبی	باورها و آداب	اعتقاد به اثر روزهای نحس	تاثیر باورها در نحوه ساخت مسکن و روابط اجتماعی	۱. زمان و فصل کوچ
		اهمیت صورت‌های فلکی		۲. شیوه‌های قالیبافی
	مذهب و اعتقادات	حریم و محرمیت	حریم در روابط اجتماعی	۳. شیوه قرارگیری سیاه چادرها
عوامل فرهنگی - اجتماعی	روابط خویشاوندی	ارادت خاص به ائمه و پاکان	سپردن اموال خود به آنان	نحوه استفاده از فضاهای زندگی
		اجاق خانواده و ایل	موجب وحدت طایفه و ایل	سلسله مراتب در فضا
	سلسله مراتب اجتماعی	اولاد (تش)	مشخص‌کننده نیا	تفکیک فضاها
افسانه‌های نانوشته	افسانه‌های نانوشته	افسانه اوغوز	واژه‌ای خویشاوندی	ساختن کله حضرت عباس (ع)
		افسانه شیرزاد پهلوان	مشخص‌کننده تیره و تبار	نقش اجاق بر چوب و بالای قبر اموات و مهر بر پوست حیوانات
		افسانه سایات	شویه زندگی پدرسالاری	اتحاد و پیوستگی در جانیابی مسکن طوایف
		افسانه آخساق جیران	سطح زندگی خانواده (چوپان‌ها، کدخدایان، خوانین)	نحوه چیدمان سیاه‌چادرها و موقعیت آن‌ها در کنار یکدیگر
افسانه سوری	افسانه سوری	حضور عوامل حیوانی	حضور عوامل انسانی	ابعاد چادر، زیبایی و متعلقات آن
		حضور عوامل طبیعی		تصویر نمادها معرف شخصیت‌های داستان در بافته‌های ایل قشقایی

منبع: یافته‌های پژوهش

مذهب در ایل قشقایی با عقاید فرهنگی و خرافی درآمیخته است و ابزاری برای نذر و نیاز و رفع بلا می‌باشد. قشقایی‌ها به ویژگی‌های بارز حضرت عباس (ع) مانند رشادت، نیرومندی و شجاعت توجه دارند که دلیل آن توافق

ارزش‌های اجتماعی ایل با شخصیت تاریخی آن بزرگوار است (بهمن‌بیگی، ۱۳۲۴:۲۴۸). این اعتقاد به حدی است که مردم ایل اموال خود را در بیابان رها کرده و با چیدن سنگریزه بر روی آن به نام "کِهَل حضرت عباس (ع)"، محافظت از آن را به وی می‌سپارند (جدی‌بایات، ۱۳۷۸:۹۷). کهل به معنای سنگ چین و کهله نوعی پیمان غیر مستقیم برای جلوگیری از سرقت است. برخی باورها و آداب ایل قشقایی که در ارتباط با شیوه کوچ و سکونت است به قرار ذیل است (دومورینی، ترجمه رفیع‌فر، ۱۳۷۵:۱۰۷):

- ✓ روزهای ۵، ۱۳، ۱۶، ۲۱ و ۲۵ هر ماه قمری نحس است. در این روزها کوچ نمی‌کنند.
- ✓ در زمان کوچ، به سمت شاخ دب اصغر حرکت نمی‌کنند و آن را بدشگون می‌دانند.
- ✓ سیاه چادرها به نحوی زده می‌شود که دهانه آن به سمت شمال باشد.
- ✓ در ماه‌های محرم، صفر و رمضان، قالیبافی و جاجیم‌بافی نمی‌کنند.

۵-۱-۳- ساختار اجتماعی

ساختار اجتماعی ایل قشقایی به ترتیب عبارتند از: ایل، طایفه، تیره، بنکو^۱، بیله^۲ و خانوار. واحد اساس ساختمان اجتماعی ایل قشقایی، خانواده یا بیله است و به مجموعه افرادی اطلاق می‌شود که در زیر یک چادر زندگی می‌کنند. از گرد هم آمدن چند خانواده یک بنکو تشکیل می‌شود که واحدی است متشکل از چند خانواده به هم پیوسته که همه کارهای زندگی ایلیاتی را، از سکونت و کوچ سالانه گرفته تا کار تولیدی مشترک، باهم انجام می‌دهند. بنکو از نظر فعالیتهای روزمره اهمیت به سزایی دارد، زیرا واحدی از افراد به وجود می‌آورد که هنگام کوچ باهم حرکت کرده، همکاری و همیاری مفیدی را ایجاد می‌کنند. چند تیره که باهم یکی شوند یک طایفه پدید می‌آید و طایفه‌ها تشکیل ایل می‌دهند (صلواتی، ۱۳۸۸:۹۱).



تصویر ۳. ساختار اجتماعی ایل قشقایی، از سطح خانوار تا ایل ترسیم: نگارنده، ۱۳۹۲؛ برگرفته از: ابرلینگ، ترجمه طیبی‌پور، ۱۳۸۳

۶- تجزیه و تحلیل

۶-۱- نقش ساختارهای انسانی در طراحی مسکن

در طول تاریخ شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی متأثر از عوامل طبیعی - اکولوژیک و اجتماعی و اقتصادی و خانه‌ها تجلی‌گاه فرهنگ و شیوه زندگی هستند (سعیدی و همکار، ۱۳۷۵:۳). از این‌رو، مسکن نیازی

است که در زمان و مکان و محیط‌های مختلف معانی متفاوتی یافته و هر جامعه به فراخور نیازها، استعدادها، امکانات و محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش شکل خاصی بدان بخشیده است (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۵). بررسی زندگی چادرنشینی و یکجانشینی ایل قشقایی، چهار ویژگی عمده را به دست خواهد داد که اساس زندگی آنان را تشکیل می‌دهد. این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱) استفاده چندعملکردی از یک فضا، ۲) رفتارهای انسانی در فضا (زمان، ۳) جداسازی فضای دام و انسان، ۴) سادگی و پایداری معماری در ابعاد مختلف. این ویژگی‌ها حاصل تأثیر ساختارهای سه‌گانه انسانی در معماری مسکن است.

مراحل ساخت و آرایش فضایی سیاه چادرها و نحوه قرارگیری آنها در کنار یکدیگر و نیز در کنار سایر اجزای سکونتگاه، دارای اصول و ویژگی‌هایی است که به نظر می‌رسد مشابهت‌های بسیاری به خانه‌های اولیه که پس از یکجانشینی در روستاهای قشقایی نشین ساخته‌اند دارد. پژوهشگر در این بخش از مقاله قصد دارد این موارد را با ساختارهای انسانی مورد مطالعه مقایسه نموده و ارتباط این دو موضوع را با یکدیگر تجزیه و تحلیل نماید. طبق بررسی‌های به عمل آمده در پژوهش، می‌توان این شباهت را به دو دسته تقسیم نمود: اولی به جهت فضاهای مشابه موجود در داخل مسکن و دیگری از جهت نحوه قرارگیری ساختمان‌ها نسبت به هم. عشایر اسکان یافته همچنان اقتصاد و دامداری و مراتع خود را حفظ می‌کنند. بخش اعظم آن‌ها برای تلفیق دو نوع اقتصاد دامداری و کشاورزی، به شیوه زیست نیمه کوچ نشینی می‌پردازند و بخش دیگر کاملاً یکجانشین می‌شوند. گروه نیمه کوچ نشینان را باید مجدداً به دو بخش تقسیم کرد: دسته اول، خانوارهایی که تماماً به بیلاق می‌روند و دسته دوم، خانوارهایی که در موقع کوچ، بخشی از اعضای آن در محل سکونت (روستا) باقی می‌مانند و امور کشاورزی و غیره را اداره می‌کنند و بخش دیگر اعضا به کوچ می‌روند. به عبارت دیگر در فصل کوچ، خانوار دوپاره می‌شود.

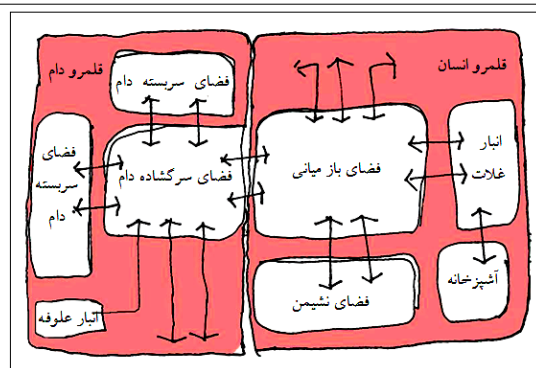
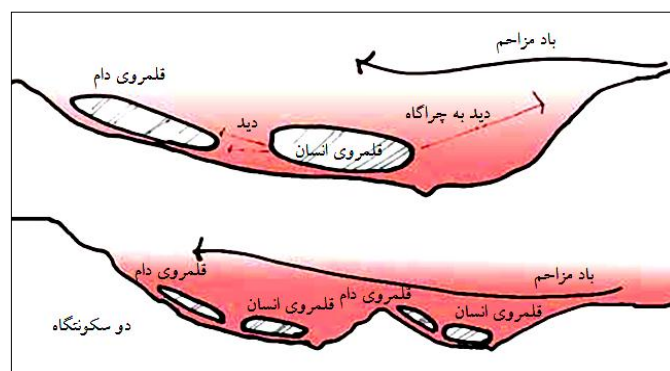
جهت تجزیه و تحلیل، ساختار سیاه چادر قشقایی مشاهده و بررسی گردید؛ هم‌چنین مطالعات موردی بر روی نمونه‌هایی از معماری روستایی در جنوب فارس انجام گرفت. نمونه‌های مختلف شامل دو روستا و چندین خانه می‌باشد

۶-۱-۱- نقش ساختار اقتصادی در طراحی مسکن

اساسی‌ترین تفاوت مسکن روستایی با مسکن شهری، آمیختگی معیشت با کالبد واحد مسکونی باشد (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸: ۱) بنابراین در چارچوب بررسی وضعیت مسکن روستایی، پرداختن به مبحث اقتصاد و معیشت برای ارائه تصویری جامع از وضعیت مسکن، جایگاه ویژه‌ای می‌یابد (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۶). ساختار اقتصادی ایل قشقایی را عامل سیاه چادر، دام، مرتع و نیروی انسانی تشکیل می‌دهد. طبق بررسی‌های میدانی صورت گرفته مشخص گردید که هر یک از این ۴ عامل در نحوه استقرار مسکن قشقایی تأثیرگذارند. زندگی چادر نشینان کوچرو از تجمل و تجمل پرستی کاملاً بدور است؛ زیرا حمل وسایل اضافی و سنگین وزن در مدت کوچ مشکل است و حرکت دائم و جابجایی باعث صدمه دیدن، شکستن و فرسوده شدن وسایل می‌گردد. «ساختار سیاه‌چادر قشقایی، مستطیلی کشیده است که در حاشیه ضلع بلند آن در عقب چادر، بر روی سنگ‌هایی که منظم قرار داده‌اند؛ یک الی دو ردیف

خورجین‌های رنگارنگ محتوی مواد غذایی و پشم چیده شده و بر روی آن رختخواب و لحاف و پتو و روی آن در چند ردیف، جاجیم و گلیم‌های رنگارنگ و روی آن هم یک ردیف بالش با سلیقه خاصی قرار داده شده است و بالاخره یک جاجیم بزرگ سرتاسری همه این لوازم را می‌پوشاند» (پیمان، ۱۳۴۷: ۵۹-۵۵). این ساختار نقش دیوار و تکیه‌گاه را ایفا نموده و با نوع معیشت عشایر مرتبط است.

نحوه استقرار سکونتگاه قشقایی در درجه اول به مکانیابی قلمرو دام وابسته است. مشاهدات نشان داد که آنان از شیب زمین برای کنترل چراگاه و حفاظت دام‌ها و از شیب تپه برای حذف آسیب باد مزاحم استفاده می‌کنند. محدوده استقرار به دو قلمرو دام و انسان تقسیم می‌شود. محدوده دام، شیب طبیعی دارد؛ اما محدوده انسان با بکار گرفتن توپوگرافی، تراس بندی شده است. این دو قلمرو توسط یک فضای بینابین از هم جدا می‌شود که بر مبنای محاسبه فاصله مناسب بر حسب دید انسانی ایجاد شده است.

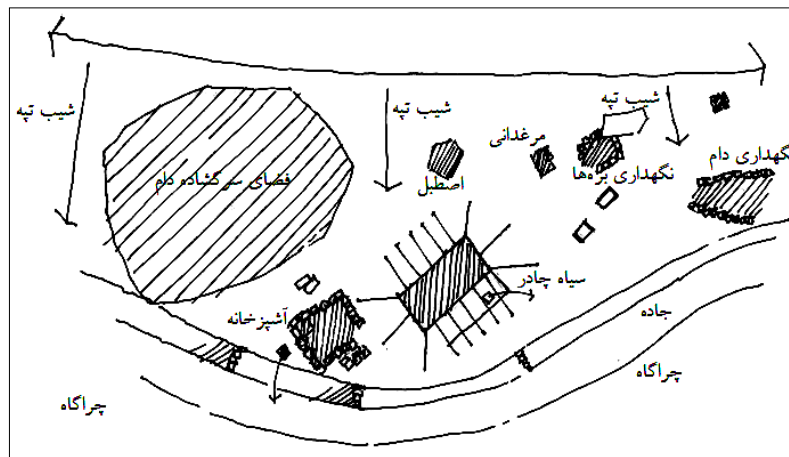


تصویر ۴: نقش ساختار اقتصادی در انتخاب مکان استقرار و چیدمان پلان

منبع: نگارنده، ۱۳۹۲؛ برگرفته از: Afshari, 2012.

مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز دربر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهبود شرایط خانواده، اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است. در واقع در تعریف و مفهوم عام، مسکن یک واحد مسکونی نیست؛ بلکه کل محیط مسکونی را شامل می‌گردد. به عبارت دیگر مسکن چیزی بیش از یک سر پناه صرفاً فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات لازم برای بهزیستی انسان را شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده‌کننده آن فراهم باشد (پورمحمدی، ۱۳۷۹: ۳۰). در بررسی سکونتگاه ایل قشقایی، چیزی بیش از یک سرپناه (سیاه‌چادر)، بلکه مجموعه‌ای از محیط مسکونی در ارتباط با طبیعت و امکانات متعدد

مشاهده می‌گردد. سکونتگاه موقتی ایل قشقایی شامل یک سیاه چادر است که معمولاً در مرکز قرار گرفته و در اطراف آن اتاقک‌های کوچکی شامل آشپزخانه، محل شیردوشی دام‌ها و اصطبل، مرغدانی و لانه سگ و آخور قرار می‌گیرد. فضای باز و سرگشاده در مقابل سیاه چادر به عنوان حیاط استفاده می‌گردد. «رابطه متقابل زیست و معیشت در مسکن به شکل‌گیری فضاهایی با عملکرد مستقل معیشتی منجر می‌شود» (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۶). تصویر ۵، سازماندهی یک سکونتگاه عشایری و همچنین تفکیک قلمرو دام و انسان را نشان می‌دهد.



تصویر ۵: دیاگرام فضاهای سکونتگاه قشقایی، چادر و فضاهای وابسته

منبع: یافته‌های پژوهش

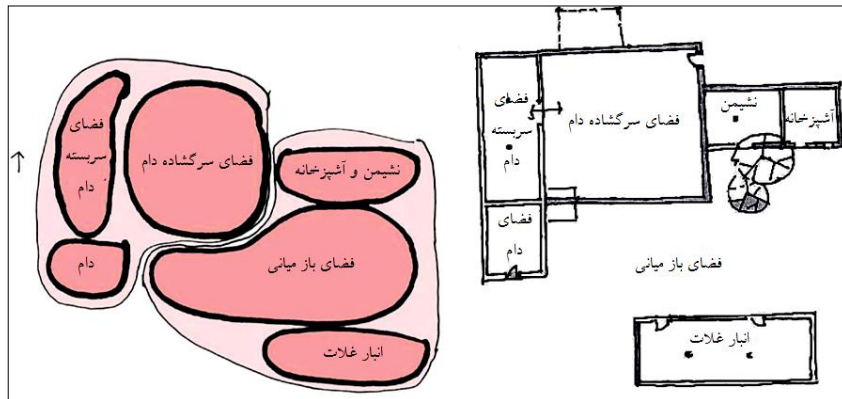
جهت بررسی سکونتگاه روستایی ایل قشقایی دو روستا در جنوب فارس به نام‌های "گرمیش" و "گزمازی" انتخاب گردید که ساکنان آن، پیش‌زمینه زندگی عشایری دارند. واحدهای فضایی عمده در این نمونه‌ها، همانند آرایش فضایی سیاه چادرها، شامل: اتاق نشیمن اصلی، حیاط بینابین، آشپزخانه، انبار غله، محل سرپوشیده نگهداری گوسفندان، محل نگهداری بره‌ها، محل نگهداری حیوانات در فضای باز، انبار علوفه و سرویس می‌باشد. حیاط بینابین ساختمان‌ها که درست در مقابل اتاق نشیمن اصلی قرار دارد؛ همانند فضای مقابل سیاه چادر، چندعملکردی است و تمام فعالیت‌های روزانه از قبیل نشستن در کنار یکدیگر، مهمانی دادن، تهیه و خوردن غذا، شستشو، خیاطی، رنگرزی و بافتن قالیچه در آن‌جا انجام می‌شود. به عبارتی ساکنان قشقایی، تنها زمانی که مجبور باشند از فضاهای مسقف استفاده می‌کنند.



تصویر ۶: منظره‌ای از خانه‌های مسکونی در روستای گزمازی

منبع: افشاری، ۱۳۸۲

دیوار خانه‌ها از سنگ و ملات، و سقف آن‌ها از حصیر و چوب که از پوشش گیاهی موجود در محل به دست می‌آید، ساخته می‌شود. آب انبار بر روی شیب قرار گرفته؛ به طوری که آب مورد نیاز برای آشپزخانه و سرویس را فراهم کند. همانند سکونتگاه موقت، مهم‌ترین ویژگی عملکردی در این نمونه‌ها، متمایز بودن قلمرو دام و انسان است که به وسیله یک فضای بینابین از هم جدا شده‌اند.



تصویر ۷: پلان و دیاگرام فضایی یک نمونه از مسکن قشقایی در روستای گرمیش

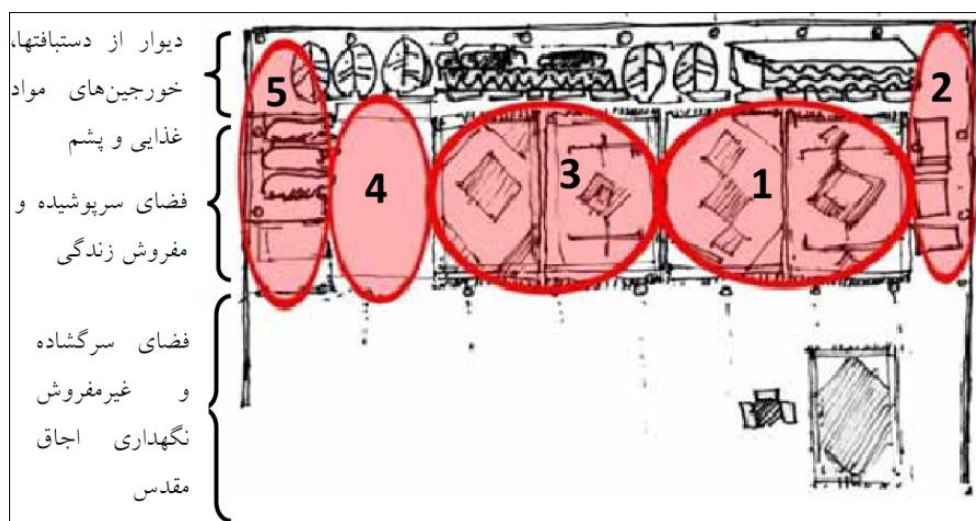
منبع: نگارنده، ۱۳۹۲؛ برگرفته از: Alinaghizadeh, 2012.

مسکن بومی روستایی، تصویری از بستر و زندگی روزمره روستایی است که در خدمت شیوه‌ای خاص از فعالیت‌های انسانی (معیشت کشاورزی و دامداری) قرار دارد. خانه روستایی ارتباط عمیقی با محیط داشته، به آن وابسته است و محل سکونت افرادی است که به فعالیت‌های تولیدی اشتغال دارند (سرتپی‌پور، ۱۳۸۹: ۸). از آنجا که عشایر قشقایی گله‌دار هستند، بقای آن‌ها وابسته به همبستگی قومی است. یک قشقایی به تنهایی نمی‌تواند در صحرا زندگی کرده، گله را بچراند؛ محصولات لبنی تولید کند؛ در برابر غارت و هجوم اقوام دیگر پایداری نموده و از کوران حوادث طبیعی و انسانی جان سالم بیرون برد؛ بنابراین لازم است همبستگی قومی را حفظ نماید. یک بنکو را می‌توان نوعی تعاونی خانوادگی دانست. مرتع به همه اعضا تعلق دارد و کسی نمی‌تواند سهم خود را جدا کند. زمانی که همه افراد یک بنکو یا یک تیره و طایفه در ساخت مسکن مشارکت کنند، جای کمی برای اظهار سلیقه صاحبخانه در سبک خانه‌سازی باقی مانده و سنت خانه‌سازی قشقایی با قدرت بر همه افراد اعمال می‌گردد و این خود زمینه ساز وحدت در سیمای عمومی مسکن است.

۶-۱-۲- نقش ساختار فرهنگی در طراحی مسکن

مسکن مناسب به فضا یا مکانی گفته می‌شود که بتواند زمینه لازم برای رشد فردی و جمعی هر یک از افراد خانواده یا خانوار را فراهم کند؛ به نحوی که آن‌ها بتوانند بر حسب نیازهای روحی و روانی خود و نوع فعالیت مورد نظر حریم لازم را بیابند (هادی زاده، ۱۳۸۵: ۱). اجتماعات دارای محیط و فرهنگ مخصوص خود می‌باشند که فرم‌های خاص مسکن، سبک‌های معماری مختلف و طراحی‌های گوناگون مسکن را سبب می‌شوند (Scott, 2007). مهم‌ترین شاخصه فرهنگی ایل قشقایی که تأثیر بارزی بر سکونت آن‌ها دارد؛ تقسیم‌بندی فضای داخلی چادر بر مبنای سنت و

آداب و رسوم آنهاست که منجر به استفاده چند عملکردی در فضای داخلی می‌گردد. هر چادر به منزله یک خانه کامل است که هر بخش از آن برای عملکردی ویژه طراحی شده و دارای نظامی سیستماتیک می‌باشد. بررسی فضاهای داخلی سیاه چادرها و نیز مصاحبه با عشایر نشان داد چیدمان وسایل زندگی با الگوی خاصی در تمامی نمونه‌ها تکرار می‌شود. طبق تصویر ۹، در سمت راست (فضای شماره ۱) چمدان‌ها، چراغ توری، لباس‌های مردانه، اسلحه، ظروف مخصوص میهمان، جعبه مخصوص هزار پیشه (مخصوص چای خوری) و بطور کلی لوازم مردانه قرار می‌گیرد. فضای نشیمن، استراحت، مهمانی دادن و مکان خواب مردان، در این قسمت است. بخش متعلقات چادر، از قبیل: اسلحه، جعبه ابزار، چمدان‌ها و لباس‌ها در فضای ۲ و محل نشیمن و پذیرایی، استراحت و مکان خواب زنان در فضای ۳ صورت می‌گیرد. فضای ۴ شامل سنگفرشی است که روی آن پوست‌های مختلف، ماست، روغن، پنیر و مشک‌های آب آشامیدنی قرار دارد؛ لوازم نان پزی و آشپزی در همین گوشه است و مرسوم است لوازمی را که زنان با آن سر و کار دارند در این قسمت قرار دهند. فضای ۵، مخصوص نگهداری لنبیات و کیسه‌های حبوبات می‌باشد. فضایی در نزدیکی اجاق نیز وجود دارد که برای نشستن در کنار یکدیگر بوده و در میان عشایر، مقدس و محترم است (عدد ۶).



تصویر ۸: نقش ساختار فرهنگی در فضای داخل سیاه چادر منبع: یافته‌های پژوهش



تصویر ۹: فضای متعلق به مردان و زنان در داخل چادر

منبع: آرشیو نگارنده

بررسی پلان خانه‌های روستا نشان داد که چیدمان داخلی تحت تأثیر دیدگاه‌های غالب در زندگی عشایری بوده و بنابراین در همه نمونه‌ها، به عنوان ویژگی معین یافت می‌شود. اتاق نشیمن اصلی در مرکز قلمرو انسانی، یک فضای اصلی و بزرگ با چندین عملکرد مشخص است و آشپزخانه در سمت دیگر آن قرار دارد. این عملکردها شامل نشستن در کنار هم، مهمانی دادن، غذا خوردن، خوابیدن و سایر کارهای روزانه و گاهی اوقات قالیبافی می‌باشد. حیاط به عنوان فضایی چند عملکردی که اکثر فعالیت‌های روزانه در آن انجام می‌گیرد، در مقابل فضاهای سرپوشیده نشیمن و آشپزخانه قرار دارد. این فضای میانی از طریق درختان و سایر عناصر محیطی، محصور می‌گردد. فضای داخلی بر مبنای امنیت شب‌هنگام، بارش‌های زمستانی و گرمای تابستان تعریف شده است و تنها زمانی مورد استفاده است که به دلیل شرایط اقلیمی امکان استفاده از حیاط وجود ندارد. این فضا کاملاً با الگوی سیاه چادرها و تقسیم‌بندی داخلی در آن‌ها مطابقت دارد که در آن‌جا هم یک فضای اصلی و بزرگ چند عملکردی در طرح‌ریزی معماری در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۴: مقایسه فضای داخل سیاه چادر و خانه‌های قشقای بر مبنای ساختار فرهنگی

ردیف	کاربری فضا	تفکیک فضایی	مکانیابی در پلان	نقش عوامل فرهنگی
۱	فضای نشیمن مردان	فضای مردانه		۱. تفکیک فضای مردانه و زنانه به دلیل باور به حجاب و حفظ حریم‌های زندگی ۲. اهمیت دادن به فضای نگهداری اجاق مقدس و جایدهی آن در رأس فضا ۳. مکانیابی فضاهای مورد نیاز مردان و زنان در حوزه‌های فضایی متمایز
۲	بخش متعلقات چادر			
۳	فضای نشیمن زنان	فضای زنانه		۳. مکانیابی فضاهای مورد نیاز مردان و زنان در حوزه‌های فضایی متمایز
۴	فضای متعلقات آشپزخانه			
۵	مکان نگهداری مواد غذایی			
۶	فضایی در نزدیکی اجاق	فضای مقدس		

منبع: یافته‌های پژوهش

۶-۱-۳- نقش ساختار اجتماعی در طراحی مسکن

قشقای‌ها روابط اجتماعی را از سطح خانواده تا ایل و طایفه حفظ می‌کنند. این ثبات اجتماعی، در زمینه مسکن نیز به چشم می‌خورد. فاصله سیاه چادرها نسبت به یکدیگر می‌تواند مبین این باشد که صاحبان سیاه چادر وابسته به کدام طایفه بوده و از چه مراتعی استفاده می‌کنند. بنابراین موقعیت چادرها نسبت به یکدیگر نمایانگر ارتباط اقتصادی و اجتماعی ساکنین می‌باشد. شکل هندسی قرار گرفتن چادرها هم مبین روابط اجتماعی افراد ساکن در آن می‌باشد. «چادرهای هر بنکو را بر روی یک خط مستقیم برپا می‌کنند و سیاه چادر ریش سفید و بزرگ بنکو در ابتدای این ردیف قرار می‌گیرد» (کیانی، ۱۳۷۶: ۷۵). در روستاهای مورد مطالعه نیز مشاهده شد سبک خانه‌سازی کاملاً با نظام خویشاوندی انطباق دارد و بازتاب سیاه چادرهای قشقای است. عموماً واحدهای همسایگی را ترکیب ارتباطی فامیلی در کنار یکدیگر تشکیل می‌دهد و یک محله بستری برای رشد خانه‌ها و همجواری بیشتر آن‌ها را ایجاد می‌نماید.

شکل ظاهری سیاه چادرها، میزان تمول و طبقه اجتماعی افراد ساکن در آن را مشخص می‌کند و می‌تواند در سه نوع دسته‌بندی شود: ۱) چادر متعلق به خانواده‌های فقیر و چوپانکارها (۲) چادر متعلق به خانواده‌های متوسط و

کدخدایان (۳) چادر متعلق به خوانین و کلاتران. شکل، زیبایی، بزرگی و متعلقات یک چادر از ساده‌ترین آن که متعلق به خانواده‌های فقیر است تا بهترین آن در تغییر است (کیانی، ۱۳۷۷: ۱۱۵). در خانه‌های روستایی نیز ابعاد فضاها بسیار متغیر بوده و به گستردگی یک خانواده یا حتی یک خاندان بستگی دارد.

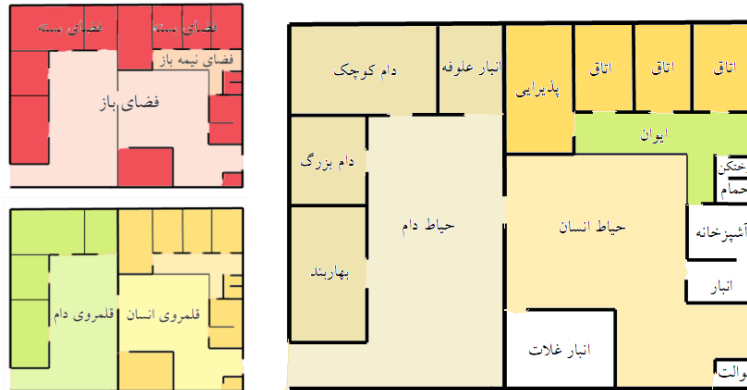
۷- یافته‌های کاربردی تحقیق

در حال حاضر تصمیم برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و بعضاً خواست خود عشایر بر اسکان دائم در مسکن ثابت با مصالح سنگین هم‌چون خانه‌های روستایی است؛ سوال این‌جاست که مسکن این اقشار باید واجد چه خصوصیتی باشد تا بتواند قالبی برای روش زندگی آنان که اکنون دست از کوچ کشیده و احتمالاً تغییر شغل و روش معیشت داده‌اند باشد؟ یا به تعبیری آن تفکر و روحیه چادرنشینی چگونه در کالبد مسکن جای بگیرد؟

طرح‌های مسکن که امروزه تهیه می‌شود به‌رغم برخورداری از برخی ارزش‌های ممکن، به دلیل بی‌توجهی نسبت به مفهوم مسکن در تقابل با زندگی و محیط اطراف قرار گرفته و در حالت مطلوب، نقایص و کاستی‌های خود را از طریق آزمون و خطا برطرف می‌نماید. در حالی که مسکن معاصر در چنین مسیری گام بر می‌دارد، «مسکن بومی که دارای اصول نسبتاً ثابت و پایداری است، به راحتی دستخوش دگرگونی قرار نمی‌گیرد و تغییرات آن اغلب بطنی، درونی و در طول دوره‌های زمانی نسبتاً طولانی صورت گرفته است» (سرتیبی‌پور، ۱۳۸۹: ۳). مسکن باید تابع شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و معیشتی عشایر و هماهنگ با شرایط جغرافیایی و اقلیمی منطقه باشد؛ به گونه‌ای که بافت خانه‌های روستا، تداعی‌کننده اترقگاه خانوارهای یک مال را داشته باشد:

- با توجه به روحیه عشایر، می‌بایست از پیچیدگی در طراحی سایت و واحد مسکونی پرهیز شود.
 - طراحی الگوی مسکن باید هماهنگ با الگوی مسکن روستاهای منطقه باشد.
 - عشایر در مراحل شکل‌گیری مسکن خود مانند طراحی، انتخاب مصالح، اجرا و سرمایه‌گذاری مشارکت داشته باشند.
 - الگوی مسکن طراحی شده باید قابلیت تکمیل تدریجی را داشته باشد.
 - مصالح مورد استفاده در ساخت مسکن باید حتی‌الامکان ارزان، در دسترس و بوم‌آورد باشد.
 - تکنولوژی ساخت باید بومی، ساده و قابل آموزش به عشایر باشد.
 - فضاهای دامی مانند طویله، بهاربند و انبار علوفه متناسب با نوع معیشت عشایر باید احداث گردد.
- طراحی مسکن در وهله اول باید براساس ویژگی اصلی سکونت عشایر یعنی تفکیک قلمرو دام و انسان صورت گیرد. خانه‌ها بایستی برپایه معیشت دام‌داری، کشاورزی یا کارگری تیپ‌بندی شوند؛ به طوری که قسمت اعظم خانه‌ها باید مطابق با معیشت دام‌داری باشند. با توجه به نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل‌ها در قالب سه ساختار مورد بررسی در این مقاله، در این بخش الگویی جهت طراحی مسکن یکجانشینی عشایر قشقایی ارائه می‌گردد:
- الگوی پیشنهادی شامل دو بخش مجزا از قلمروی انسان و دام می‌باشد که هریک از فضاهای سرپوشیده و سرگشاده تشکیل شده‌اند. در بخش سکوتی، سلسله مراتب فضایی (همانند سیاه‌چادر) رعایت شده، به طوری که پس از عبور

از حیاط (فضای سرگشاده)، ابتدا وارد ایوان (فضای نیمه‌باز) شده و سپس به اتاق‌ها و بخش خصوصی (فضای سرپوشیده) هدایت می‌شویم. این طراحی نیاز به حریم را در مسکن تامین می‌نماید.



تصویر ۱۰: الگوی پیشنهادی مسکن مطابق با نیاز ساکنان، تفکیک قلمروی دام و انسان، و توجه به سلسله مراتب فضای باز، بسته و نیمه باز

منبع: نگارنده، ۱۳۹۲

در مسکن عشایری، ملاحظه گردید که روبروی فضای دام، انبار علوفه و روبروی سیاه‌چادر، انبار غلات قرار دارد؛ لذا در الگوی پیشنهادی، موارد مذکور لحاظ گشته است. نکته مهم، تنوع در تیپ پلان‌ها است که باید با توجه به شیوه معیشت (دامداری، کشاورزی، کارگری) در نظر گرفته شود. در خانوارهای برپایه اقتصاد کشاورزی، قلمروی دام حذف شده و در عوض، فضای در نظر گرفته شده جهت انبار غلات افزایش می‌یابد. در خانواده‌های کارگر که فاقد زمین کشاورزی و یا دام می‌باشند (چوپانکارها)، ابعاد مسکن نیز کاهش می‌یابد. پلان پیشنهادی با توجه به عوامل فرهنگی، به شیوه درونگرا طراحی شده است که نورگیری فضاهای سکونتی از طریق حیاط مرکزی می‌باشد. همچنین با توجه به مسکن عشایری که در حفاصل قلمروی دام و انسان، فضایی نیمه محصور جهت انجام فعالیت‌های مختلف و کار روزانه در نظر گرفته شده است؛ در این پلان نیز چنین فضایی مشاهده می‌گردد. نتایج کاربردی تحقیق در راستای طراحی مسکن عشایری در جدول ۵ ارائه می‌گردد:

جدول ۵: الگوی طراحی مسکن با توجه به ساختارهای سه‌گانه انسانی

عنوان	ساختار اقتصادی	ساختار اجتماعی	ساختار فرهنگی
ساختار اقتصادی	تفکیک قلمروی دام و قلمروی انسان	طراحی واحدهای سکونتی با توجه به سلسله مراتب اجتماعی	قرار دادن محل نگهداری اجاق در رأس چیدمان فضایی
	استقرار سکونتگاه بر روی شیب جهت کنترل چراگاه	تناسب سلسله مراتب اجتماعی با سلسله مراتب سکونتگاهی (ایل، طایفه، تیره، بنکو، بیله و خانوار)	تفکیک مکان فعالیت‌های زنان و مردان با توجه به اعتقادات و باورهای مذهبی
ساختار اجتماعی	تعیین فضایی سرپوشیده جهت نگهداری فرآورده‌های دامی	چیدمان خانه‌های مسکونی خوشاوندی در طول یک خط مستقیم، با توجه به روابط خویشاوندی	توجه به سلسله مراتب فضایی در خانه‌ها، مطابق با سیاه چادرهای عشایری
	چیدمان انبار غلات در مقابل فضای سکونت و انبار علوفه در مقابل فضای دام	تشکیل واحدهای همسایگی بر مبنای ارتباط فامیلی و میزان نزدیکی خانواده‌ها	استقرار خانه‌های روستایی به صورت طولی و در جهت شمال با توجه به اعتقادات و باورهای ایل
ساختار فرهنگی	طراحی دو فضای سرپوشیده و سرگشاده در هریک از قلمروهای دام و انسان	تناسب ابعاد مسکن با نوع معیشت ساکنان (دام‌دار، کشاورز، کارگر)	لایه بندی در چیدمان پلان سکونتگاه با توجه به مسئله حجاب (لایه اول: فضای میانی حیاط، لایه دوم: فضای سرگشاده و غیر مفروش قرارگیری اجاق، لایه سوم: فضای مفروش و مسقف زندگی)
	ساخت کلیه اجزای مسکن با استفاده از مصالح موجود در محل (توجه به شیوه ساخت سیاه‌چادر)	تناسب ابعاد اتاق نشیمن با میزان گستردگی خانواده و تعداد افراد ساکن در آن	استفاده از رنگ در طراحی اجزای مسکن در تضاد با اقلیم خشک و یکنواخت منطقه
	ساخت کلبه اجزای مسکن با استفاده از مصالح موجود در محل (توجه به شیوه ساخت سیاه‌چادر)	تقسیم تیپ مسکن روستایی به سه دسته چوپانکارها، کدخدایان و خوانین متناسب با نیاز آن‌ها به فضا	تناسب قدر و اندازه فضا با نوع فعالیت جمعی و خانوادگی
	تناسب میزان پراکندگی و تراکم سکونتگاه‌ها با توجه به میزان دسترسی به مرتع	تناسب ابعاد اتاق نشیمن با میزان گستردگی خانواده و تعداد افراد ساکن در آن	استفاده از رنگ در طراحی اجزای مسکن در تضاد با اقلیم خشک و یکنواخت منطقه
	ساخت کلیه اجزای مسکن با استفاده از مصالح موجود در محل (توجه به شیوه ساخت سیاه‌چادر)	تناسب شکل هندسی موقعیت قرارگیری خانه‌ها با روابط اجتماعی و خویشاوندی ساکنان	تناسب قدر و اندازه فضا با نوع فعالیت جمعی و خانوادگی

منبع: یافته‌های پژوهش

۸- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه زندگی عشایر با مخاطرات فراوانی روبرو است. از بین رفتن مراتع و ایل‌راه‌ها و عدم دسترسی به فناوری روز از دلایل بروز مشکلات می‌باشند. بعلاوه خانه‌های شهری تطابقی با آداب و رسوم و نحوه زندگی آنان نداشته و فرهنگ عشایر که هویت نسل‌های گذشته است را به فراموشی سپرده‌اند. در این مقاله با تمرکز بر جامعه عشایر قشقایی، به جستجوی راهبردهایی جهت طراحی الگوی مناسب مسکن مطابق با نیاز عشایر اسکان‌یافته پرداخته شد. در این راستا، تحقیقات پیشین در حوزه شناخت زندگی عشایری بررسی، و دیدگاه‌های محققان جمع‌آوری و ساختاردهی گردید. دیدگاه‌های مطرح شده در سه دسته عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و عوامل فرهنگی قرار داده شدند. سپس جهت بررسی نحوه زندگی و چگونگی سازماندهی فضایی سیاه‌چادرهای عشایر و مسکن روستایی آن‌ها، روش‌های مشاهده مستقیم و مصاحبه به کار گرفته شد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مراحل ساخت و آرایش فضایی سیاه‌چادرها و نحوه قرارگیری آن‌ها در کنار یکدیگر و نیز در کنار سایر اجزای سکونتگاه، مشابهت‌های بسیاری به خانه‌های اولیه در روستاهای قشقایی‌نشین دارد. طبق بررسی‌های به عمل آمده در پژوهش، می‌توان این شباهت را به دو دسته (فضاهای مشابه موجود در داخل مسکن و نحوه قرارگیری ساختمان‌ها نسبت به هم) تقسیم نمود. مشاهدات حاکی از آن است که محدوده استقرار سکونتگاه قشقایی (کوچ‌نشینی و یکجانشینی) به دو قلمرو دام و انسان تقسیم شده است. این دو قلمرو توسط یک فضای بینابین که نیمه محصور و سرگشاده است، از یکدیگر تفکیک می‌شود.

بررسی فضاهای داخلی سیاه‌چادرها و نیز مصاحبه با عشایر نشان داد که چیدمان وسایل زندگی با الگوی خاصی در تمامی نمونه‌ها تکرار می‌شود. این چیدمان و تقسیم‌بندی فضای داخلی چادر بر مبنای سنت و آداب و رسوم است که منجر به استفاده چندعملکردی در فضای داخلی می‌گردد. از سوی دیگر نتایج حاصل از بررسی پلان خانه‌های روستایی بیانگر آن است که چیدمان داخلی، تحت تأثیر دیدگاه‌های غالب در زندگی عشایری بوده و بنابراین در همه نمونه‌ها، به عنوان ویژگی معین مشاهده می‌گردد. همچنین در روستاهای مورد مطالعه مشاهده شد سبک خانه‌سازی کاملاً با نظام خویشاوندی انطباق دارد و بازتاب سیاه‌چادرهای قشقایی است؛ عموماً واحدهای همسایگی را ترکیب ارتباطی فامیلی در کنار یکدیگر تشکیل می‌دهد و یک محله بستری برای رشد خانه‌ها و همجواری بیشتر آن‌ها را ایجاد می‌نماید.

با توجه به نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل‌ها در قالب سه ساختار مورد بررسی در این مقاله، در نهایت، الگویی جهت طراحی مسکن یکجانشینی عشایر قشقایی ارائه گردید. الگوی پیشنهادی شامل دو بخش مجزا از قلمروی انسان و دام می‌باشد. در بخش سکونت، سلسله مراتب فضایی (همانند سیاه‌چادر) رعایت شده است. این طراحی نیاز به حریم را در مسکن پاسخ می‌دهد. همچنین با توجه به اینکه مسکن عشایری در حفاصل قلمروی دام و انسان، فضایی نیمه محصور جهت انجام فعالیت‌های مختلف و کار روزانه در نظر گرفته است، در این پلان نیز چنین فضایی مورد نظر بوده و طراحی شده است.

سپاسگزاری

در اینجا شایسته است از دکتر حسین سلطانزاده که در آفرینش و پروراندن این پژوهش نقش داشته‌اند، سپاسگزاری نمایم.

منابع

- ابرلینگ، پی‌یر (۱۳۸۳). **کوچ‌نشینان قشقایی فارس**، ترجمه فرهاد طیبی‌پور، تهران؛ شیرازه، چاپ اول، افشاری. ه، محسن (۱۳۸۲). "مطالعه و طراحی مسکن مناسب برای عشایر قشقایی". رساله نهایی جهت دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد معماری و شهرسازی. دانشکده معماری و شهرسازی، مجتمع هنر، دانشگاه یزد، افشاری. ه، محسن (۱۳۹۰). "معماری چادری و کابلی عشایر ایران". ماهنامه فنی تخصصی دانش‌نما تخصصی نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان. سال بیستم، شماره ۱۹۹-۱۹۸، ص ۵۷-۴۸.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۶۷). **کوچ‌نشینی در ایران**. تهران؛ نشر آگاه، بهرامیان، الله‌داد (۱۳۷۸). **نگاهی به تاریخ و فرهنگ ایلات شش بلوکی و رحیم لوقشقایی**. شیراز؛ انتشارات تخت جمشید، بهمن بیگی، محمد، (۱۳۲۴). **عرف و عادت در عشایر فارس**، چاپ اول، تهران؛ انتشارات آذر، پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰). "فرهنگ و مسکن". فصلنامه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۶-۳.
- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۵). **برنامه‌ریزی مسکن**. تهران؛ انتشارات سمت، پیمان، حبیب‌الله (۱۳۴۷). **توصیف و تحلیلی از ساختمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی**. تهران؛ جدی (بایات). حسین (۱۳۷۸). **پیوستگی قومی و تاریخی اوغوز ایل‌های قشقایی ایران قبیله (قایی قشقایی)**. چاپ اول. شیراز؛ انتشارات نوید، دومورینی، (۱۳۷۵). **عشایر فارس**، ترجمه دکتر جلال‌الدین رفیع فر، تهران؛ انتشارات بهار، سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۹). "ارزیابی و تحلیل مسکن روستایی استان سیستان و بلوچستان و پیشنهاد جهت گیری آتی". فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران (جغرافیا). سال هشتم، شماره ۲۷، سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۸). **آسیب شناسی معماری روستایی: به سوی کالبد مطلوب**، دانشگاه شهید بهشتی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران؛ انتشارات هوشمند، سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۹۰). "پدیدار شناسی مسکن روستایی". فصلنامه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳، ص ۱۵-۳.
- سعیدی، غلامرضا (۱۳۸۰). "ارزیابی سیاست‌های مسکن اجتماعی در برنامه دوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، رساله نهایی جهت دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران به راهنمایی دکتر اسماعیل شیعه، شاطری، مفید، حجی‌پور، محمد (۱۳۹۰). "اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی شهرک نازدشت سربیشه در استان خراسان جنوبی)". فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره دوم،

- شکور، علی، رضایی، محمدرضا (۱۳۸۹). "بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی فیروزآباد و سنجش و گرایش آنان به تغییر شیوع معیشت". فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره دوم، شهبازی، عبدالله (۱۳۸۶). ایل ناشناخته (پژوهشی در کوه نشینان سرخی فارس). تهران؛ نشر آتیه، صلواتی، مرجان (۱۳۸۸). "عظمت نماد طاووس در چپته بافی زنان ایلات قشقایی فارس". دوفصلنامه تخصصی هنرهای تجسمی نقش مایه، سال دوم، شماره سوم، قرخلو، مهدی (۱۳۸۲). مهاجرت و اسکان عشایر: تحلیلی از مهاجرت قشقایی‌های ایران به شهرها. تهران؛ نقش بیان، کیانی، منوچهر (۱۳۷۶). سیه چادرها. چاپ اول، شیراز؛ انتشارات کیان‌نشر، کیانی، منوچهر (۱۳۷۷). کوچ با عشق شقایق. چاپ اول، شیراز؛ انتشارات کیان‌نشر، گوهری‌مطلق، زهرا، چارثی، عبدالرضا (۱۳۸۹). "نمادها و نقوش تصویری افسانه‌ها و داستان‌ها در آثار هنری ایل قشقایی". فصلنامه تحلیلی پژوهشی نگره، شماره ۱۴، بهار ۸۹، ص ۸۵-۹۳.
- هادی‌زاده، آرش (۱۳۸۵). "عوامل موثر بر تعیین رفتار شاخص قیمت مسکن در ایران"، رساله نهایی جهت دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی. به راهنمایی دکتر احمد جعفری صمیمی و دکتر میلا علمی،
- Alinaghizadeh, M. and Afshari H, M. (2012). "Study the functional aspects of architecture through the analytical survey of native architecture - case study: functional study of sedentary of Qashqai tribes housing". Journal of **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, No 51, PP 380 – 385,
- Afshari, H, M. and Alinaghizadeh, M. (2012). "Educational and practical approach to the study of native architecture - case study: study of Qashqai tribe housing as one example of a sustainable native culture of Iran". Journal of **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, No 51, PP 373 – 379,
- Scott, Mark (2007). **Rural Housing: Politics, Public Policy and planning**, springer,

Study of Effective Factors on Design of Qashqai's Village and Nomad Houses

Hosna Varmaghani*

Ph.D. Student, Faculty of Architecture, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Abstract

Qashqaies have an important role in Iran policy and economy, from view point of productions and historical documents. They have settled and then change their livelihood method. This paper expresses cultural, social and economic features of Qashqai immigrants and residents. Then it will study relates between these features and housing patterns. The research hypothesis is that there is adaptation between village houses and black tent of Qashqai in terms of human factors (cultural, economic and social). Research method is descriptive in this paper. Practical end is presenting patterns of residential units design in villages of Qashqai in appropriate with human structures. The research subject is housing patterns that are affected by lifestyle and native culture. This subject is analyzed through observation of samples in villages and black tents. The result of paper is that effective factors on design of Qashqai village and nomad houses are livelihood method, kinship connection, cultural opinions, some customs and tribal Hierarchy. How nomads housing convert to village housing is scientific results of this paper that can practical for architectures and designers.

Keywords: Qashqai, Housing, Culture, Black Tent, Nomadic.

Received Date: 4 January 2015

Accepted Date: 7 March 2015

* (Corresponding author) hosnavarmaghani@yahoo.com